



۲۰۱۴/۰۱/۰۹



صالحه وهاب واصل

مده آوازم ای مادر

مده آوازم ای مادر
مرا بگذار در این ته سرای یأس و بدبختی
مرا بیرون مکش مادر
که تیر چشم مردم پاره میسازد
قلبم را
مرا پُت کن
مرا پت کن میان خار و خس
در گور نابودی
مرا پنهان کن از مردان
ز چشمان پُر از حسرت
پُر از وحشت
پُر از شهوت
مرا پنهان کن ای مادر
ز چشمانی که می پارد لباسم را
نهانم ساز مادر از مسلمانان
از مردان

مرا یاد است....
آن دستان سنگین و سیاه شان
مرا یاد است.....
کز پیراهنم صد پاره ساخته
دور انداختند
مرا یاد است.....
آن زهرخنده هایی شان

د پانوی شمیره: له ۱ تر ۳

نفس های پُر از شراره شهوت
مرا یاد است.....
آن بوی و تعفن از دهان شان
مرا یاد است.....
آن هر یک صدا های پُر از حسرت
صدای نا سزا و فحش و هم دشنام
تا هریکی سبقت کند
در حمله بر جسمم
غریو وحشت افزاء در گلوها شان
که از هر لمس جسم من
به گوشم صد خراشی داشت

مرا دردی که جسمم را زهم پاشید
یادم است.....
گره بغض کز وحشت گلو را بسته بود
وز نا توانی زخم ناسور شد
یادم است.....
مرا فریاد های گنگ
کز چشمم چو سیل اشک میبارید
یادم است.....
مرا یاد است
آن فریاد کز بند لبان سنگ قلبان
بیدلان
این وحشیان
دوشیزه دزدان
این به نام مرد بالاتر ز توهین
در لبم جا ماند
مرا دردی که از لمس فلاکتبار هر انگشت
این انسان کُشان
این بی حیا، بی قلب
بی احساس جلادان

د پانو شمیره: له ۲ تر ۳

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ

بروی هر سلولم
نقش بر جا ماند
مرا بگذار در تاریکی یی مرگم
مده آوازم ای مادر
دگر من نیستم آن دختر شاداب
دگر من یک جسد یک نعش هستم
پُر ز وهم و درد
به من این زندگی یک مرگ تدریجیست، ای مادر
مخوان دیگر مرا با خود
مده آوازم ای مادر
دگر من زنده یک نعشم
مده آوازم ای مادر
مرا بگذار با جسمم
(واهب)
پایان

د پانو شمیره: له ۳ تر ۳

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ